

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر بخش فارسی رادیو سوئد

عصر روز پنجشنبه، بیست‌وهشتم بهمن‌ماه، گزارشگر بخش فارسی رادیو سوئد با داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران، به‌وسیله‌ی تلفن مصاحبه‌ای انجام داد که متن آن در زیر آورده می‌شود.

گزارشگر: شما اخیراً با روزنامه‌ی ایندپندنس مصاحبه‌ای داشتید پیرامون وضع کشور. خوشحال می‌شویم اگر ارزیابی داشته باشید از آنچه در این پانزده‌ساله گذشته است و شرایط جامعه‌ی ایران را بیان کنید.

داریوش فروهر: افزون بر آنچه به خبرنگار ایندپندنس گفته‌ام، اکنون چیزی ندارم. به‌طورکلی، من عملکرد سران جمهوری اسلامی را در این مدت دراز پانزده‌ساله‌ی پس از پیروزی انقلاب، به‌ویژه در پنج سال گذشته، که داعیه‌ی آغاز دوره‌ی جدیدی از سازندگی سرداده شد، بسیار تیره می‌بینم. در زمینه‌ی اقتصادی، اوج‌گیری احتکار، رباخواری، دلال‌بازی، گرانی سرسام‌آور، گرسنگی، برهنگی، بی‌سرپناهی، بیکاری، نارسایی بهداشت و درمان و دارو را دربرداشته و، در زمینه‌ی سیاسی، با ندانم‌کاری‌های پیوسته و، در زمینه‌ی اجتماعی، با تباهی‌های فزاینده همراه بوده است. به‌طورکلی، از نظر من، جمهوری اسلامی به لحاظ سیاست خارجی با بن‌بست، به لحاظ اقتصادی، با ورشکستگی روبه‌رو می‌باشد و، به لحاظ تباهی‌های اجتماعی، از مرز تصور گذشته است.

خوب پیداست چنین سامانی، به‌ویژه اگر غرق در واپس‌گرایی هم باشد، نمی‌تواند پایدار بماند. به همین دلیل می‌رود تا در ایران یک جنبش درخواست مردم‌سالاری پابگیرد و شکل سازمانی پیدا کند. راست است که برکرسی‌قدرت‌نشستگان به پایگاه‌هایشان به‌سختی چسبیده‌اند؛ ولی به هر حال ایرانیان بیش از این تحمل نخواهند کرد و گام‌های استواری به راستای مردم‌سالاری برخواهند داشت.

گزارشگر: آقای فروهر، اخیراً آقای علی‌محمد بشارتی، وزیر کشور جمهوری اسلامی، اعلام کرده که به هفتادوشش حزب و سازمان از چهارصد جریانی که تقاضای مجوز کار کرده بودند اجازه داده شده که فعالیت کنند. آیا حزب ملت ایران هم جز این چهارصد حزب بوده؟ و اینکه چگونه است وضعیت شما در جهت فعالیت در جامعه؟

داریوش فروهر: به گمان من، سخنان آقای علی‌محمد بشارتی، وزیر کشور جمهوری اسلامی، که گاه هم الدرملدرم می‌کنند، چیز تازه‌ای دربرندارد. پیش از این هم، وزیران کشور در دوازده ساله‌ی گذشته، یعنی پس از شبه‌کودتای خردادماه سال هزاروسیصدوشصت، در این زمینه داد سخن داده‌اند و هیچ‌گاه جامعه‌ی عمل‌نپوشیده است. اما درمورد هفتادوشش تشکل سیاسی و صنفی، که گفتند اجازه‌ی فعالیت داده شده و چهارصد تشکل دیگر، که درخواست پروانه از وزارت کشور کرده‌اند، من درست نمی‌دانم که چه سازمان‌های سیاسی یا نهادهای صنفی چنین کرده‌اند و به کدام یک از آن‌ها اجازه‌ی کوشش داده شده است؛ ولی به‌طورکلی تا آنجا که من آگاهی دارم تشکل‌های مورد اشاره‌ی وزیر کشور، چه سیاسی، چه فرهنگی، چه صنفی، به نوعی به سردمداران جمهوری اسلامی یا یکی از جناح‌های آن وابستگی تنگاتنگ دارند.

گزارشگر: ببخشید، پس حزب ملت ایران جزو این هفتادوشش جریان نیست؟

داریوش فروهر: نه، نیست. در آن زمینه هم اگر بخواهید توضیح می‌دهم. اکنون در ایران نه حزبی نه سندیکایی نه اتحادیه‌ای از امتیازهای قانونی برخوردار نمی‌باشد. اما درموردی که پرسش کردید، یعنی حزب ملت ایران، به گمان من، به ثبت دادن سازمان‌های صنفی یا سیاسی برای احراز شخصیت حقوقی و برخورداری از امتیازهای آن

است، نه زیر سلطه‌ی زمامداران کشور قرار گرفتن. به همین دلیل، حزب ملت ایران از آغاز برپایی جنجال به ثبت رساندن سازمان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی نظریه‌ی ویژه‌ای داشت. در دیدگاه این حزب، هر حزبی که از پیش از انقلاب از هستی سازمانی برخوردار بوده یا، به عبارت دیگر، بر جمهوری اسلامی «سبق حضور» داشته به هیچ وجه نیازمند به پروانه گرفتن از هیچ نهادی برای کوشش‌های خود نمی‌باشد.

در حقیقت، هر گونه سلب امتیاز و جلوگیری از کارآوری قانونی این سازمان‌های سیاسی، با هر اندیشه‌ای که دارند، از سوی سردمداران جمهوری اسلامی و گماشتگان امنیتی با مفاد قانون اساسی و، از آن هم بااهمیت‌تر، با جدول ارزش‌های انقلاب ناسازوار می‌باشد و در عمل هم جز روی‌آوری به کردارهای قهرآمیز ثمری نداشته است.

به همین دلیل، حزب ملت ایران، که کوله‌باری از چهلوشش سال تلاش خستگی‌ناپذیر در راستای رسیدن به آزادی‌های اساسی را بر دوش دارد، هیچ گاه درصدد کسب اجازه از جمهوری اسلامی برای کوشش‌های خود، که به دور از هر کردار خشن است، برنیامده و نخواهد آمد.

گزارشگر: سؤال بعدی در مورد تیراندازی به آقای رفسنجانی است. پس از تیراندازی به سوی آقای رفسنجانی در نخستین روز دهی فجر و اینکه گفته شد فرد تیرانداز گویا روزنامه‌نگار بوده، نگرانی‌هایی ابراز شد از اینکه امکان دارد سخت‌گیری بر مطبوعات کشور بیشتر بشود. شما در این باره چه نظری دارید؟

داریوش فروهر: آگاهی‌های من نسبت به تیراندازی نخستین روز دهی که نام «فجر» به آن داده شده در آرامگاه امام خمینی در حدی است که روزنامه‌ها و رسانه‌های همگانی دیگر داده‌اند؛ ولی درباره‌ی پیامدهای آن، من سرکوبگری ویژه‌ای حس نکرده‌ام و فشار بر روزنامه‌ها هم از دیدگاه من خیلی زودتر از این شروع شده است. در یکی دو سال گذشته، به‌ویژه پس از انجام نمایش انتخابات رئیس‌جمهوری، فشار بر روی نشریه‌ها، چه کتاب، یا روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، بیشتر شده و گاه کار به جلوگیری از پخش، لغو امتیاز، تجاوزهای سرکوبگرانه و حتی بازداشت و دادرسی‌های خلاف قانون کشیده است. چون نمی‌خواهم به کلی‌گویی بپردازم، توضیح درباره‌ی آن را به وقت دیگر موکول می‌کنم.

گزارشگر: ممنون و متشکرم؛ و در آینده باز هم، اگر اجازه بدهید، مزاحمتان خواهیم شد.

داریوش فروهر: خواهش می‌کنم. هیچ مانعی ندارد، هر هنگام که در تهران باشم آماده‌ام که با شما در زمینه‌ی رویدادهای گوناگون گفتگو داشته باشم.